

دریافت: ۹۱/۹/۸

تایید: ۹۱/۱۲/۱۲

مقولهٔ حالت در شیماهای ساختاری تک‌ظرفیتی روسی و چگونگی بیان آن در زبان فارسی

مریم مرادی^۱

علی مداینی اول^۲

چکیده

در نشانه‌های یک جمله برای تجزیه و تحلیل دستوری متنی که از جملات ساخته می‌شود، ساختار ظاهری و دستوری دارای اهمیت است. برخی از نشانه‌های ظاهری جملات از یک سری ویژگی‌های دستوری با معنایی خاص برخوردارند؛ این نشانه‌های ظاهری به افرادی که زبان روسی را بمدد دستور فرا می‌گیرند، کمک می‌کند تا به معنای مورد نظر جمله پی‌ببرند. این نشانه‌ها سازندهٔ ساختارهایی متفاوتند برای بیان رویدادهای گوناگون. طبق این الگوهای ساختاری می‌توان جملات متنوع بی‌شماری را ساخت که همگی می‌توانند دارای ظاهر یکسان باشند. برای بیان اجزای تشکیل‌دهندهٔ شمای ساختاری جمله از نشانه‌های اختصاری و حروف لاتین برای نام بردن از بخش‌های مختلف اقسام گفتار و عناوین برخی از شکل‌های کلمه استفاده می‌شود. به عنوان مثال: V_f شکل صرفی فعل (از واژهٔ لاتین *verbum finitum*)؛ V_{fs} حالت سوم شخص مفرد فعل (از واژهٔ لاتین *singularis*) و غیره. همچنین ضروری است به وجود مفاهیم زبانی توجه کنیم که سلسله‌وار به هم پیوسته‌اند و نه تنها توسط الگوی نحوی جمله مطرح می‌شوند، بلکه از طریق رابطهٔ متقابل الگوی نحوی جمله با معنای لغوی کلماتی بروز می‌یابند و به هنگام تشکیل یک جمله هرکدام جایگاه مشخصی را به لحاظ نحوی در آن جمله اشغال می‌کنند. بیان حالت یکی از این مفاهیم است که بازتاب گسترده‌ای در ساختارهای نحوی تک‌ظرفیتی جملات روسی دارد. در این مقاله به

۱. دکتری آموزش زبان روسی از دانشگاه تهران.

پیام‌نگار: maryam_moradi@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

پیام‌نگار: amadayen@ut.ac.ir

بررسی آن دسته از شماهای ساختاری تک‌ظرفیتی می‌پردازیم که گزاره نحوی جمله در آنها بیانگر حالتی از نهاد منطقی جمله است و گاهی نیز محذوف می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شمای ساختاری، جمله تک‌ظرفیتی، نهاد منطقی، چارچوب معنایی، ترکیب، گزاره نحوی، عناصر ساختاری - معنایی.

مقدمه

کوچکترین واحدهای گفتار که می‌توانند به عنوان واحدهای نحوی از زنجیره گفتار جدا شوند از نقطه نظر زبان‌شناسی در واقع اجزای یک ترکیب زبانی پیچیده‌تر هستند که از طریق روابط خاصی به یکدیگر وابسته‌اند، روابطی که از سویی ماهیت نحوی دارند و از سوی دیگر دارای اهمیت محتوایی و معنایی می‌باشند که از اطلاعات بدست آمده از طریق یک خبر و پیام استخراج شده‌اند. در نشانه‌های یک جمله برای تجزیه و تحلیل دستوری یک متن که از جملات ساخته می‌شود، در وهله اول، ساختار ظاهری و دستوری (نحوی) آن دارای اهمیت است، یعنی وجود الگویی ظاهری و انتزاعی در ریشه دستوری جمله (ریشه گزاره‌ای در واقع ساختار جمله) که برای پیام‌ها و بیان وقایع و رویدادهای گوناگون در نظر گرفته شده و متفاوت است. طبق این الگوی ساختاری میتوان بی‌نهایت جمله متنوع به وجود آورد که همگی دارای ظاهر یکسان می‌باشند.

در روش تدریس زبان‌های خارجی، به لحاظ رده‌شناسی زبان‌ها، باید این مسئله را در نظر گرفت که ویژگی‌های ساختاری و دستوری آن زبان کدامند، کلمات به چه شکل در کنار هم قرار می‌گیرند و چگونه ساختاری را به وجود می‌آورند، و در این صورت بیانگر چه معنایی خواهند بود (مدائینی، تدریس ساختارهای غیرشخصی زبان روسی به فارسی زبانان ۹۹).

یافتن عناصری که به کمک آنها بیان اندیشه صورت می‌گیرد و در نتیجه ساختارهایی که این عناصر از طریق آنها و در هر زبان بیان می‌شود، امری صحیح و لازم است. بایستی دانست، جمله در وهله اول به دلیل ضرورت بیان اندیشه ساخته می‌شود. به جهت اهمیت ترکیب مفاهیم گوناگون در انعکاس جهان پیرامون، انسان برای بیان اندیشه‌ها و نیز ترکیب آنها، ابزارهای خاص خود را به کار می‌برد. بررسی خاصیت ترکیب‌پذیری کلمات در واقع

ویژگی مشترکی برای تمام زبان‌های طبیعی بشری است، زیرا موضوع خاصیت ترکیب‌پذیری کلمات در زبان، نه تنها در سطح گفتار، بلکه در سطح معنا و منطق نیز مطرح است. طرح این موضوع در سطح گفتار و در نظر گرفتن ساختار دستوری زبان، تفاوت‌های کاملاً مشخصی را دربارهٔ ویژگی ترکیب‌پذیری واژگان در ارتباط با زبان‌های گوناگون، آشکار می‌سازد (زهرايي)، خاصیت ترکیب‌پذیری کلمات در ساختار گروه واژه‌های روسی (۱۳۳).

نه تنها در زبان روسی بلکه در تمامی زبانها اشکال نحوی (خاصی) در قالب یک جمله هستند که عناصر معنا ساز یک خبر یا قضیه را بیان می‌کنند، نه کلمات. در زبان به کمک مجموعه ویژگی‌های دستوری و لغوی خاص قادر هستیم به مفاهیمی انتزاعی اشاره کنیم. همانطور که روابط و مناسبات پدیده‌های زندگی با درک و فهم انسان، تعبیر و به مقولات گوناگون تفکیک می‌شوند، گزاره‌ها و اظهارات مختلف دربارهٔ این روابط نیز به همین میزان دسته‌بندی و متمایز می‌گردند. جمله‌ای که ساختار نحوی خاصی دارد، مناسبات و واقعیات عینی را باز می‌تاباند. عکس این قضیه نیز صادق است: چنانچه بخواهیم انواع مناسبات و روابط واقعی را که در زبان موجود است، بیان کنیم، درخواهیم یافت که در زبان به لحاظ ساختاری انواع مشخصی از جملات وجود دارد. انتخاب یک ساختار معین جمله توسط انسان، تحت الشعاع چارچوب معنایی جمله قرار می‌گیرد. اما وظیفهٔ معنایی جمله چیست؟ جمله بایستی با ترکیب خاصی از واحدهای مشخص ساختاری - معنایی خبری را پیرامون مواردی چون: عمل شیء/ماده، حالت فاعل یا محیط، کیفیت ماده/شیء، وجود یا فقدان شیء یا شخص یا پدیده، تطبیق شیء با پدیده، زمان، مکان، توضیح علت یا هدف عمل و واقعه، توصیف و ارزیابی عمل یا پدیده و برساند.

آن دسته از معانی جمله که در بالا بدان اشاره شد نه ماهیتی جزئی و دقیق، بلکه ویژگی کلی و عمومی دارند. این مفاهیم متداول در تعابیر دانشمندان روس با اصطلاحات گوناگون یاد می‌شود: و. گ. گاک از آن به «глубинная структура» (گاک، ۱۹۶۹)، و ا. بلاشایکوا به «смысловая организация предложения» (زبان روسی معاصر ۷۶۶)، گ. آ. زولوتوا به «типичное значение предложения» (درباره ساختار جملهٔ ساده در زبان روسی ۹۲) و ن. د. آرتیونوا به «пропозиция» (جمله و مفهوم آن، ۲۴ و ۲۹) نام می‌برد.

هرکدام از این مفاهیم متداول در هر زبان از طریق مدل‌های اساسی خاص و متنوعی از جمله بیان می‌شوند و می‌توان لیستی نهایی از آنها تهیه کرد. هریک از مدل‌های ساختاری از اجزای تشکیل دهنده‌ای ساخته شده است که می‌تواند به لحاظ صرفی ثابت یا متغیر باشد. مثلاً در مدل اصلی جمله که ترکیب نحوی اسم در حالت ابتدایی اسمی یا نومیناتیف (НОМИНАТИВ) و شکل نحوی فعل وجود دارد، می‌تواند بیان کننده پیامی حاوی کیفیت و ویژگی ماده باشد.

در زبان روسی برای ساختار جمله ساده یک الگوی مجرد نحوی در نظر گرفته می‌شود که مطابق آن ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل یک جمله کامل ساخته می‌شود. ساختارهای نحوی جمله ساده را می‌توان از نظر تعداد اجزای بیانگر مفاهیم گزاره‌ای به دو دسته گزاره یا محمول یک‌طرفیتی/تک‌طرفیتی یا دوطرفیتی تقسیم‌بندی نمود. ساختارهای دوطرفیتی در کنار مرکز گزاره‌ای جمله، شامل عنصر دیگری (شکل ابتدایی اسم یا مصدر) هستند که شکل گزاره و تطابق آن بدان بستگی دارد (دستور زبان روسی ۱۵۱). اما در یک جمله با ساختار تک‌طرفیتی، مرکز گزاره‌ای جمله توسط اشکالی از واژگان بیان می‌شود که قابلیت تطابق در جنس و شمار (شخص) را ندارند.

در برخی جمله‌ها در شرایط خاص می‌توان در جایگاه یکی از اجزاء تشکیل دهنده یک حالت و یا ترکیبی از حالت‌های مختلف دستوری از واژگان را مشاهده نمود. برای بیان اجزای تشکیل دهنده ساختار نحوی جمله از نشانه‌های اختصاری و حروف لاتین برای نام بردن از بخش‌های مختلف اقسام گفتار و عناوین برخی از اشکال استفاده می‌شود: V_f شکل صرفی فعل (از واژه لاتین *verbum finitum*)؛ V_{f3s} حالت سوم شخص مفرد فعل (از واژه لاتین *singularis*)؛ V_{f3pl} (حالت سوم شخص جمع فعل (از واژه لاتین *pluralis*))؛ Inf مصدر؛ N اسم (از واژه لاتین *nomen* - نام/اسم)؛ adj صفت (از واژه لاتین *adjectivum*)؛ $Pron$ ضمیر (از واژه لاتین *pronomen*)؛ Adv قید (از واژه لاتین *Adverbium*)؛ $Adv-o$ قید گزاره‌ای مختوم به - o - ؛ $Praed$ گزاره (از واژه لاتین *Praedicatum*)؛ $Part$ صفت فعلی (از واژه لاتین *participium*)؛ $Praed_{part}$ گزاره صفت فعلی؛ $interj$ صوت (از واژه لاتین *interjectio*)؛ neg ادات منفی‌ساز (از واژه لاتین *negatio*)؛ cop فعل ربط (از واژه

لاتین (copula)؛ quant معنی کمی (از واژه لاتین quantitas به معنای کمیّت). اعداد ۱ تا ۶ همراه با نشانه N، نمایانگر حالت‌های دستوری زیرند:

۱: حالت اسمی یا (им.п.) именительный падеж؛ ۲: حالت اضافه‌ای یا дательный падеж / به‌ای یا (род.п.) родительный падеж؛ ۳: حالت متممی / به‌ای یا (дат.п.) (дат.п.)؛ ۴: حالت مفعول مستقیم یا (вин.п.) винительный падеж؛ ۵: حالت ابزاری یا (творительный падеж) (творительный падеж)؛ ۶: حالت حرف اضافه‌ای یا предложный падеж (предл.п.). در صورتی که عدد ۲ همراه با نقطه‌چین در کنار حرف N بیاید به معنای غیر از حالت اسمی و مفعول مستقیم دلالت دارد (به حالت غیراسمی و مفعول غیرمستقیم اشاره می‌کند).

اما علاوه بر اهمیت بررسی شمای ساختاری^۳ یا به کلام دیگر ساختار نحوی جمله، ضروری است به‌وجود مفاهیم زبانی توجه کنیم که سلسله‌وار به‌هم پیوسته‌اند و نه تنها توسط الگوی نحوی جمله مطرح می‌شوند، بلکه از طریق رابطه متقابل الگوی نحوی جمله با معنای لغوی کلماتی بروز می‌یابند و به هنگام تشکیل یک جمله هرکدام جایگاه مشخصی را به لحاظ نحوی در آن جمله اشغال می‌کنند. بیان حالت یکی از این مفاهیم است که بازتاب گسترده‌ای در ساختارهای نحوی تک‌طرفیتی جملات روسی دارد. در این مقاله برآنیم تا به بررسی آن دسته از شم‌های ساختاری تک‌طرفیتی پردازیم که گزاره منطقی جمله در آنها بیانگر حالتی از نهاد منطقی جمله است که گاهی نیز محذوف می‌باشد.

بحث و بررسی

مفهوم حالتی که به نهاد منطقی نسبت داده می‌شود، می‌تواند در شم‌های ساختاری تک‌طرفیت گوناگونی بیان شود. به عنوان مثال، یکی از آنها شمای ساختاری Cop_{3s/n} Adj_{fsn} یا Praed می‌باشد که بر پایه آن می‌توان جملات زیر را ساخت:

Плохо ей становилось от близости огня и запахов пищи.

۱- وقتی در کنار آتش و غذا بود، حالش بد می‌شد. / ۲- در همجواری آتش و غذا، حالش بد می‌شد.

В трамвае было жарко или холодно в зависимости от времени года.

۳. Структурная схема

بسته به فصل سال در تراموا (هوا) گرم یا سرد بود.

در کوچکترین شمای ساختاری جملهٔ روسی، عنصر مرکب Cop^۴ وجود دارد که در اینجا واژه‌های نامستقل یا کمکی БЫТЬ و СТАНОВИТЬСЯ هستند که بیانگر معنای دستوری عمل واقعی و رخداد آن در زمان گذشته می‌باشند و در جایگاه گزارهٔ اسمی مرکب قرار گرفته‌اند. افعال کمکی СТАНОВИТЬСЯ و БЫТЬ به ترتیب با محتوی اسمی یعنی عناصر Adj_{fs/n} که حالت کوتاه صفت ПЛОХО و жарко /холодно می‌باشند، ترکیب می‌گردند. صفات کوتاه ПЛОХО و жарко /холодно در واقع اجزاء اسمی هستند که قادرند در ساختار نحوی جمله به عنوان قید گزاره‌ای، مقولهٔ حالت را بیان کنند. در زبان فارسی این مفاهیم توسط جملهٔ حاوی فعل ربطی نشان داده شده است که برای انتقال مفاهیم جهان خارج کاربرد دارد. قیود گزاره‌ای жарко / холодно به معنای صفات «گرم/سرد» و قید ПЛОХО به معنای «بد» می‌باشند. شکل صرفی فعل ربطی «БЫЛО» در فارسی به شکل کوتاه فعل ربطی «بود» از مصدر «بودن» آمده است. همچنین شکل صرفی فعل «СТАНОВИЛОСЬ» در زمان گذشتهٔ استمراری به «می‌شد» از مصدر فعل ربطی «شدن» ترجمه می‌شود. چنانچه در کنار قید گزاره‌ای در جملهٔ روسی بخواهیم حالت را به نهاد منطقی نسبت دهیم، می‌توانیم از حالت نحوی متمم به‌ای یا дательный падеж، حالت نحوی مفعول مستقیم یا винительный падеж، حالت نحوی ابزاری یعنی творительный падеж با حرف اضافه، کمک بگیریم. در واقع با این عمل به گسترش ساختار جمله به لحاظ معنایی دست زده‌ایم. مثلاً در جملهٔ اول واژهٔ «ему» (ضمیر «او» در حالت متممی یا به‌ای) بیانگر نهاد منطقی است که حالت «بد شدن» را به او نسبت داده‌ایم. چنانچه بخواهیم جمله را به «وقتی در کنار آتش و غذا بود، حالش بد می‌شد» ترجمه کنیم، یک ساختار جمله مرکب خواهیم داشت که علت بد شدن حال نهاد را در غالب یک جملهٔ وابسته بیان می‌کند: «وقتی در کنار آتش و غذا بود» در واقع قید علت است، یعنی: «به علت آنکه در کنار آتش و غذا بود، حالش بد می‌شد». از آنجایی که تحلیل جملات سادهٔ تک‌ظرفیتی در دستور کار این مقاله قرار می‌گیرد، از پرداختن به جملات مرکب خودداری می‌کنیم.

۴. از واژهٔ لاتین Copula به معنای فعل ربطی.

در برخی از ساختارها، ترکیب واژه‌ها در نقش گزاره، بیانگر وضعیت محیط اطراف، وضع روحی - جسمی انسان است. معمولاً اینگونه ساختارها در زبان فارسی به شکل جملات سه‌جزئی قرار می‌گیرند که از اجزای مسندالیه، مسند و فعل ربطی تشکیل می‌شود، مانند:

Мне грустно.

дат. суб. слово категории

من غمگین هستم.

مسند الیه مسند فعل ربطی

در ساختارهای معادل روسی قید گزاره‌ای در جایگاه گزاره اینگونه جملات قرار می‌گیرد و نهاد واقعی یا منطقی جمله نیز تحت تأثیر ارتباط نحوی با شبه‌گزاره (слово категории) یا قید گزاره‌ای به صورت متمم به‌ای یا дательный субъект بیان می‌گردد (لسانی ۱۶۱).
اینکه کدام حالت دستوری برای بیان نهاد منطقی و گسترش جمله مناسب است و از طریق چه قواعدی تعیین می‌شود، بیشتر به مقوله معنایی خود نهاد منطقی و ساختار درونی آن بستگی دارد. مثلاً بیان نهاد یا فاعل عمل، یا فاعل/ نهاد منطقی یا دارنده حالت، نهاد دارنده وضعیت و ... همگی مفاهیمی کلی هستند. در جهان واقعی پیرامون، در حقیقت محدوده وسیعی از حالات متنوع وجود دارد که می‌توان از آنها خبر داد، ولی همه آنها در قالب ابزارهای دستوری یا ویژگی‌های لغوی-معنایی قرار نمی‌گیرند. انتخاب نوع حالات معنایی جمله نیز به انتخاب شکل قید گزاره‌ای بستگی دارد. در زیر به مهمترین مواردی که در آنها می‌توان نهاد منطقی را در ترکیب با گزاره بیانگر حالت مشاهده نمود، اشاره می‌کنیم:
(۱) بیان حالت سن و سال نهاد

Ему исполнилось пять лет.

дат. суб. V_{f3/s}

پنج سالش تمام شده است.

Девочке почти год.

дат. суб

دخترچه تقریباً یک‌ساله است.

جمله روسی یک جمله بدون شخص است که در زبان فارسی با جمله ربطی بدون شخص بیان شده است. در اینجا معادل فعل بدون شخص «ИСПОЛНИТЬСЯ»، فعل مشتق

فارسی «تمام شدن» است. ضمیر متصل «ش» که همراه با گروه واژه «پنج‌سالگی» آمده است، نهاد منطقی جمله را می‌رساند که در زبان روسی با حالت دستوری Д.П. و واژه «ему» بیان می‌شود. شکل جنس دستوری - نحوی خنثی در فعل بدون شخص «ИСПОЛНИТЬСЯ» در فارسی با حالت زمان گذشته مفرد آمده که قادر نیست در زبان فارسی جنس نحوی را بیان کند.

(۲) بیان نهاد منطقی که دارای حالت درونی عاطفی است:

Его даже жалели.

V_{f3pl}

حتی برای او تأسف می‌خوردند.

Как мне это надоело.

V_{f3s}

۱- چقدر این مسئله مرا بیزار/خسته کرد. / ۲- چقدر از این مسئله متنفر بودم.

Мне было бы не так тоскливо.

$Cor_{s3/n}$ Praed

کاش اینقدر افسرده نبودم.

جمله روسی اول با ساختار تک‌ظرفیتی V_{f3pl} یک جمله یکرکنی نامعین است که جزء اصلی آن از صیغه فعل تشکیل می‌شود. عمل، وضعیت، حالت یا رابطه بیان‌شده توسط صیغه فعل در این دسته از جملات، درباره فرد مشخصی نیست. فعلی که به عنوان جزء اصلی جمله به کار می‌رود، غالباً در حالت صرفی سوم شخص جمع مورد استفاده قرار می‌گیرد (زهرايي، دستور آموزشی زبان روسی ۵۲۶).

نهاد منطقی به لحاظ بی‌اهمیت بودن از نظر گوینده جمله و یا ناشناس بودن، نامعین است و ذکر نمی‌شود. ترجمه اول جمله به فارسی، یک ساختار سه‌جزئی گذرا به مفعول را به وجود می‌آورد. در صورت به کار بردن ترجمه‌ی دوم، گروه فعلی جمله همراه با گروه اسمی نهاد پنهان یا تهی (دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی ۲۲۹) به کار می‌رود، یعنی نهاد، ضمیر «من» بوده است که به قرینه لفظی یا معنایی حذف شده است. در ترجمه دوم، جمله دارای ساختار سه‌جزئی گذرا به متمم (این مسئله) می‌باشد.

- جمله دوم با شمای ساختاری تک‌ظرفیتی V_{f3s} یک جمله بدون شخص و بدون نهاد است. در ساختار برخی از جملات یکرکنی روسی، کلمه‌ای می‌آید که دارای مفهوم نهاد است

و آن را «نهاد منطقی» می‌نامند. اما بر خلاف جمله روسی، ساختار جمله فارسی دارای نهاد محذوف است. البته در اینجا مشاهده می‌شود که شناسه فعل خود گویای شخص دارنده حالت است. جمله فارسی یک جمله چهارجزئی گذرا به متمم و مسند است.

جمله سوم روسی، یک شمای ساختاری تک‌ظرفیتی یعنی Cop_{s3/n} Praed را نشان می‌دهد که بیانگر حالت روحی و درونی نهاد منطقی است. در برگردان فارسی، جمله سه جزئی گذرا به مسند به دست می‌آید. جمله حالت التزامی دارد و بیانگر آرزو و تمایل نهاد منطقی است. این مفهوم در جمله روسی توسط ادات **бы** و در فارسی با واژه کاش بیان شده است.

۳) بیان نهاد منطقی که حالت فیزیکی/جسمانی دارد یا چیزی را درک می‌کند. جملاتی که این مفهوم را انعکاس می‌دهند، می‌توانند دارای ساختار افعال بدون شخص باشند. در این صورت یکی از ساختارهای ممکن V_{f3s} است و تنها عضو اصلی ساختار، فعل بدون شخص می‌باشد. اما جملات تنها زمانی ساخته می‌شوند که در ساختار خود به غیر از فعل بدون شخص، اسم یا ضمیری در حالت **В.П.** یا **Д.П.** داشته باشند که به عنوان همنشین و در جایگاه نهاد منطقی جمله مورد استفاده قرار گیرد. این اسم یا ضمیر به شخص یا موضوعی اشاره می‌کند که عمل به سمت آن شخص یا موضوع هدایت شده است و از عمل تأثیر پذیرفته است (مدائینی، بررسی ساختارهای تک‌عضوی فعل زبان روسی در مقایسه با ساختارهای دو‌عضوی و نحوی بیان آنها در زبان فارسی ۱۶۰). به مثال‌های زیر بنگرید:

Ты не кричи, соседям слышно! (Praed)

داد نزن، همسایه‌ها می‌شنوند!

При мне ему миной оторвало ногу в сорок первом под Растовом.

$V_{f3s/n}$

در چهل و یک قدمی من در اطراف راستوف، مینی پای او را به شدت مجروح کرد.

У меня всегда хуже всех получалось.

$V_{f3s/n}$

بدترین اتفاقات همیشه برای من می‌افتاد.

در زبان روسی این جملات ساختاری یکرکنی دارند که در اینجا با شمای ساختاری $V_{f3s/n}$ اعمال می‌شوند. نشانه گزاره‌ای این جمله را شکل صرفی سوم شخص مفرد جنس خنثی می‌رساند که در واقع جنس نحوی است و تنوع دستوری در این حالت

ندارد (شکل صرفی فعل در جمله همیشه در زمان گذشته به صورت خنثی و مفرد می‌آید). مرکز گزاره‌ای جمله، ابتدایی است و هم‌زمان قادر است ویژگی‌های لغوی^۵ مربوط به جسم و نیز ویژگی‌های دستوری را انتقال دهد. همچنین جمله می‌تواند بیانگر رویدادها و حالات مربوط به طبیعت باشد، مانند:

В океане штивало по-дикому.

V_{f3s/n}

سکوت مرگباری بر اقیانوس حاکم بود.

(۴) بیان نهاد منطقی که دارای حالت دورنی یا بیرونی است.

В голове у Генеле немного посветлело.

V_{f3s/n}

اندکی روشنایی در ذهن گنله ایجاد شد.

У него накупело на сердце.

V_{f3s/n}

دلش آشوب بود.

У Максимова позванивало в голове.

V_{f3s/n}

جمله فوق در فارسی از نظر دانشمند روس، یوری روبینچیک، یک ساختار بدون شخص و اصطلاح‌گونه است که در آن عنصر اصلی و لازم، ضمیر متصل بیانگر نهادی می‌باشد (دستور معاصر زبان ادبی روسی ۳۸۷) که پذیرنده و متحمل حالتی می‌باشد و در واقع در ترجمه فارسی در حالت مضاف‌الیه قرار می‌گیرد. در دو مورد اول نیز اسامی گنله و ماکسیموف، در حالت مضاف‌الیه/اضافی قرار دارند. نشانه گزاره‌ای نیز در ترکیب صفت (آشوب) و شکل کوتاه فعل ربطی (بود) قابل مشاهده است. وحیدیان کامیار این نوع جملات را استثنایی غیر شخصی می‌نامد. فعل این جمله‌ها تنها با یک شناسه (در مضارع: -د، در ماضی: Ø) می‌آید. مانند:

Детям спится.

V_{f3s/n}

بچه‌ها خوابشان می‌آید.

وی ساختار این نوع جملات را به شکل زیر توصیف می‌کند:

5. вещественное значение

گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + ضمیر پیوسته + فعل

بچه‌ها خواب - شان می‌آید.

وحیدیان کامیار با توضیح این مطلب که ضمیر پیوسته، کار شناسه را در افعال عادی انجام می‌دهد، اذعان می‌کند که نمی‌توان در فارسی جای این ضمیر را با اسم یا ضمیر جدا عوض کرد. شناسهٔ افعال این جمله‌ها از نظر ظاهری، سوم شخص مفرد است ولی در حقیقت شناسه محسوب نمی‌شود، زیرا همیشه ثابت است (دستور زبان فارسی (۱) ۲۶-۲۷):

ساسان دردش آمد. من دردم آمد.

بخش فعلی جمله نیز به شکل سوم شخص مفرد بیان شده است. ساختار روسی تک‌ظرفیتی با دو عضو اصلی است: عضو بیانگر حالت (накипело, посветлело, позванивало) و مفعول مستقیم (на сердце, в голове).

(۵) ساختارهایی که نهاد منطقی هم‌زمان نهاد حالت و نیز عمل است:

У хозяйка накрыто на стол.

Praed_{part}

میز صاحبخانه پوشیده (از غذا و خوراکی) شده است.

У нас с делами покончено.

Praed_{part}

کارهایمان تمام شده است.

О начале полётов будет немедленно сообщено.

Praed_{part}

آغاز پروازها به سرعت گزارش خواهد شد.

در این شمای ساختاری همانطور که گفته شد، مفهوم عمل در صفت کوتاه فعلی نهفته است و نیز حالت را به لحاظ قرار گرفتن در جایگاه قید گزاره‌ای جمله بیان می‌کند. ساختار تک‌ظرفیتی یک جملهٔ مجهول است که نهاد آن می‌تواند بیان شود (مانند دو مورد اول) و یا خیر. در ترجمهٔ فارسی، مفعول جملهٔ معلوم در جایگاه نهاد مجهول قرار می‌گیرد و نهاد اصلی و منطقی در جمله سوم حذف و در دو جملهٔ اول توسط حالت اضافی P.Π. و حرف اضافه Y بیان شده است. جملهٔ فارسی در حالت معلوم می‌تواند به صورت: «شرکت هواپیمایی «هما» آغاز پروازها را به سرعت گزارش خواهد کرد»، باشد. در این صورت جمله ساختاری سه‌جزئی گذرا به مفعول خواهد بود.

۶) ساختاری که نهاد منطقی آن، مولد و سرچشمهٔ ایجاد حالت است:

От него всегда каким-то противным жиром.

$V_{f3s/n}$

همیشه یک بوی نفرت‌انگیز چربی از او می‌آمد/به مشام می‌رسید.

От него были в восторге.

$Cop_{pl} N_{2...pr}/Adv_{pr}$

به خاطر او به هیجان آمده بودند/هیجان زده بودند.

نهاد منطقی جمله، دارندهٔ حالت یا ویژگی و صفت است و با ترکیب $от + p.п.$ بیانگر علت ایجاد آن حالت یا صفت مزبور است. این مفهوم در مثال اول در یک ساختار تک‌ظرفیتی فعلی یعنی $V_{f3s/n}$ و در مثال دوم در یک ساختار تک‌ظرفیتی و جملهٔ نامعین یکرکنی با شمای ساختاری $Cop_{pl} N_{2...pr}/Adv_{pr}$ اعمال می‌شود.

نتیجه‌گیری

ساختار نحوی جمله رابطهٔ تنگاتنگی با ساختار معنایی آن دارد و برعکس. در انتخاب اجزای شمای ساختاری یک جمله بایستی به ساختار معنایی آن توجه کرد و وجود عناصری از جمله را پیش‌بینی نمود که جمله به واسطهٔ آنها برای برقراری ارتباط و انجام نقش معنایی خود آماده باشد. در این بین بیان نهاد منطقی که گاهی با بیان حالت و ویژگی خاصی در ارتباط است، اهمیت به‌سزایی پیدا می‌کند. بیان نهادی که مولد حالت و ویژگی است می‌تواند در جملات یکرکنی گوناگون با ساختارهای تک‌ظرفیتی متفاوت بروز یابد. در هر صورت ماهیت ترکیب‌های کلمات، روابط و مناسبات نحوی اجزای تشکیل‌دهندهٔ یک شمای ساختاری، از نکاتی است که در بررسی نحو معنایی - ساختاری جمله بایستی در نظر گرفت.

منابع

- زهرایی، حسن. دستور آموزشی زبان روسی. چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ص. ۵۲۶. ۱۳۸۶.
- زهرایی، حسن. خاصیت ترکیب‌پذیری کلمات در ساختار گروه‌واژه‌های روسی، پژوهش زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۱۵، ص ۱۳۳. پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

- لسانی، حسین. بررسی واژه‌های شبه‌گزاره‌ای در زبان روسی و طرز بیان آنها در زبان فارسی، پژوهش زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۲۸، ص ۱۶۱. زمستان ۱۳۸۴.
- مدائنی اول، علی. بررسی ساختارهای تک‌عضوی فعل زبان روسی در مقایسه با ساختارهای دوعضوی و نحوی بیان آنها در زبان فارسی، پژوهش زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۲۵، ص ۱۶۰. پاییز ۱۳۸۴.
- مدائنی اول، علی. تدریس ساختارهای غیر شخصی زبان روسی به فارسی زبانان، پژوهش زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۱۵، ص ۹۹. پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. دستور زبان فارسی. چاپ چهارم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، مرکز تحقق و توسعه علوم انسانی. ص ۲۲۹. زمستان ۱۳۸۸.
- وحیدیان کامیار، تقی. دستور زبان فارسی (۱)، چاپ یازدهم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقق و توسعه علوم انسانی. صص. ۲۷-۲۶. زمستان ۱۳۸۷.

- Артюнова, Н.Д. (1976). Предложение и его смысл, Наука, С. 24,29.
- Белошапкина, В.А. (1999). Современный русский язык, Азбуковник, С. 766.
- Гак, В. Г. (1969). К проблеме синтаксической семантики: Семантическая интерпретация «глубинных» и «поверхностных» структур, Инвариантные синтаксические значения и структура предложения (Доклады конференции по теоретическим проблемам синтаксиса), Наука, С.78.
- Золотова, Г. А. (1967). О структуре простого предложения в русском языке, Вопросы языкознания, № 6, С.92.
- Рубинчик, Ю.А. (2001). Грамматика современного персидского литературного языка, Восточная литература «Ран», С. 387.
- Шведова, Н. Ю. (1980). Русская грамматика Том II, Наука, С. 151.